یک عمر دوستی و اخلاص

اشتری، هادی

مرحوم وحید دستگردی در سال 1296 شمسی برای تظلم و دادخواهی و باز گرداندن‏ اموال غارت شده خویش به تهران آمده بود و چون در ایام مهاجرت به چهار محال بختیاری‏ با مرحوم علی اکبر دهخدا دوستی و الفت پیدا کرده بود بدلالت ایشان با مرحوم برادرم‏ میرزا احمد خان اشتری آشنا شد که این آشنائی بدوستی تبدیل و تا واپسین ایام عمر آن‏ دو بزرگوار در اعتلا بود و ادامه داشت.

مرحوم وحید با مرحوم دهخدا نزد برادرم آمدند و چون دهخدا میدانست که‏ میرزا احمد خان با وثوق الدوله نخست وزیر وقت که خود مردی ادیب و شاعری بود دوستی‏ دیرینه دارد لذا خواست تا وسیله نخست وزیر رفع ظلم از وحید و خاندانش بشود و اموال‏ او را که بدستور کلنل هیک انگلیسی در دستگرد بیغما برده بودند بازپس ستاند.

برادرم مرحوم وحید را به وثوق الدوله معرفی کرد و وحید هم قصیده‏ای سرود و شرح‏ مظالمی را که بر او رفته بود برشمرده و به وثوق الدوله داد.

وثوق الدوله برای جبران خسارت وارده بر وحید و عبد الخالق(یکی از اقوامش)تصویب نامه‏ای صادر کرد که از محل فروش قراولخانه کهنه اصفهان جبران خسارت وحید را بکنند و از این راه بخشی از خسارت و زیانهای وارد بر وحید و دیگران جبران شد.

و اما من در منزل برادرم با مرحوم وحید آشنا شدم و مأمور پذیرائی او بودم و بحدی‏ فیما بین وحید و خانواده ما توافق و صمیمیت ایجاد شد که اغلب دوستان و معاشران گمان‏ انتساب و بستگی میکردند.

پس از آنکه تا اندازه‏ای رفع ظلم از وحید شد،دوستان مؤانس و یاران موافقی در تهران‏ یافتو قصد اقامت در این دیار کرد و مقدمات نشر مجله ادبی و ممتع ارمغان را فراهم‏ ساخت.

مقارن با انتشار مجله ارمغان،وحید با کوشش و تلاشی که داشت اقدام به تأسیس‏ انجمن ادبی ایران در منزل خود کرد که بزرگان شعر و ادب زمان در این انجمن حضور می‏یافتند.این انجمن که اولین انجمن در نوع خود بود و بهمت استاد وحید بوجود آمد بتدریج گسترش و وسعت یافت و چون منزل وحید برای پذیرائی همه مراجعان گنجایش نداشت‏ به ساختمان وزارت معارف نقل مکان کرد و چند سال بعد چون انجمن از برنامه‏ها و هدف‏های‏ اصلی خود باز مانده و گاهی هم به روضه‏خوانی تبدیل میشد لذا وحدی انجمن ادبی حکیم‏ نظامی را در منزل خود دایر کرد و این انجمن پربارترین انجمنهای ادبی ایران است زیرا توفیق تصحیح دواوین شعرای بزرگ و از جمله دیوان حکیم نظامی را یافت که وحید سی سال‏ در تنقیح و آماده ساختن اشعار نظامی زحمت کشیده بود.

مرحوم وحید علوم ادبی را بسبک قدیم بخوبی و استادی فرا گرفته بود و در فن معانی‏ بیان،عروض نقد شعر بدیع و ادبیات عرب استادی بی‏بدیل بود و چندی هم بپاس آشنائی‏ و مراوده با مرحوم میرزا احمد خان،مجلس درسی در منزل خود ترتیب داد که من و نیر الدین خان‏ پیرزاده نیز در این محفل روحانی شرکت میکردیم اما ما دو نفر توفیق ادامه درس را نیافتیم‏ لیکن چند تن دیگر از مستعدین زمان،از افادات بی‏دریغ مرحوم وحید برخوردار بودند و هم اکنون از اساتید مسلم شعر و ادب بشمار میآیند...

مرحوم وحید بزرگمردی بود حق‏شناس،حقگزار و حق پناه.خدایش رحمت کناد و بستگان‏ و بازماندگان آن مرحوم را از جمله دانشمند با همت آقای وحیدنیا را برای ایران و ایرانیان‏ کامیاب و کامران باقی داراد.

در پایان بیتی از قطعه ماده تاریخی را که برای مرحوم پدرم سروده است میآورم‏ و برای همه رفتگان آمرزش می‏طلبم.